

محور های سخنرانی معاون آموزشی
در همایش ملی
توسعه آموزش و برنامه ریزی درسی دانشگاهها
۱۳۸۶/۴/۲۰ دانشگاه تربیت مدرس

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

انه خير ناصر و معين

۱- با سلام به ارواح طيبه شهدا، درود بی پایان به روان پاک امام شهیدان و آرزوی سلامتی و طول عمر برای مقام معظم رهبری عرایضم را آغاز می کنم.

۲- عرض سلام و خیر مقدم دارم خدمت همکاران گرامی و حضور شما عزیزان را در این همایش با شکوه برای دستیابی به اهداف بلند آموزش عالی کشور بسیار مغتنم می دانم. بنده نیز به نوبه خود، حضور در جمع شما اندیشمندان و صاحب نظران برنامه ریزی درسی و آموزشی را فرصت مغتنمی تلقی می کنم که به اینجانب امکان می دهد تا از اندوخته های علمی و دستاوردهای پژوهشی جمع کثیری از اساتید محترم بهره مند شوم و با کاربرد اندیشه های نو و مترقی ، به عنوان دستاورد این همایش ، بکوشم که فاصله نظر و عمل را تا حد ممکن کاهش دهم. به همین لحاظ از مسئولان محترم دانشگاه تربیت مدرس که برپایی این نشست بزرگ علمی را برنامه ریزی کرده اند صمیمانه سپاسگزاری می کنم. تشکر ویژه دارم از برادر عزیزم جناب آقای دکتر دانشجو رئیس محترم دانشگاه و برادر ارجمندم جناب آقای دکتر نادری

منش معاون محترم آموزشی که سالها افتخار همکاری با این عزیزان را داشته ام و همواره از نقطه نظرات ارزشمندشان بهرمنند شده ام. همچنین تشکر و ارادت قلبی خود را نسبت به همه کسانی که با حضور خود زمینه ترویج برنامه ریزی درسی و تبادل اندیشه درخصوص توسعه آموزش عالی را امکان پذیر می سازند و با ارائه دیدگاهها و تجربیات خود به توسعه دانش برنامه ریزی درسی کمک می کنند، ابراز می دارم و آمادگی وزارت علوم را برای به کارگیری نتایج و راهکارهای حاصل از این همایش اعلام می کنم.

۳- البته بنده واقفم که سخن گفتن از موضوع تخصصی و مهمی همچون برنامه ریزی درسی در جمع متخصصان این رشته، برای فردی که زمینه تخصصی لازم را ندارد، کار بسیار دشواری است، با اذعان بر این کاستی من سعی خواهم کرد در فرصتی که برایم فراهم شده است، با تکیه بر تجربیات خود مطالبی را به عرض حضار محترم برسانم به این امید که مطالب ارائه شده بتواند زمینه ساز بحث و تبادل نظر بیشتری باشد.

۴- به اعتقاد بنده برنامه های درسی دانشگاهی در عین حال که از عناصر اصلی تضمین کیفیت آموزش عالی و تناسب آن با نیازهای جامعه به شمار می رود، به طور کلی محمل و زمینه ساز تحقق اهداف آموزش عالی است. از این رو می توان برنامه های درسی را به عنوان منعکس کننده و تجلی گاه اهداف نظام آموزش عالی کشور در نظر گرفت. بنا براین اگر گفته می شود که تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور از جمله اهداف نظام آموزش عالی است، برنامه های درسی در هر رشته باید این سمت گیری و

توانائی را داشته باشد که زمینه پرورش نیروی انسانی متخصص در آن رشته را فراهم سازد و اگر پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و حل مسائل جامعه هدف آموزش عالی را تشکیل می دهد، جهت گیری برنامه های درسی باید معطوف به شناخت و حل مسائل جامعه توسط دانش آموختگان آموزش عالی کشور باشد.

توجه به این سطح از اثر گذاری برنامه های درسی در برون داد نظام آموزش عالی، جایگاه برنامه ریزی درسی در این نظام را به خوبی آشکار می کند. من در جمع متخصصان این رشته لازم نمی بینم بیش از این بر اهمیت و جایگاه برنامه ریزی درسی در نظام آموزش عالی و نقش آن در توسعه علمی کشور تاکید کنم.

۵- اما در بیان تاریخچه برنامه ریزی درسی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی اشاره به این نکته را کافی می دانم که به رغم استقلال نسبی دانشگاهها در زمینه برنامه ریزی درسی، این مهم هیچگاه به صورت دانش سازمان یافته مورد توجه قرار نگرفت و به بیان دیگر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی برنامه ریزی درسی، شاید به این دلیل که بر پایه فرهنگ ملی ما شکل نگرفته بود، در دانشگاهها نهادینه نشد.

خوشبختانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نهاد برنامه ریزی درسی با فرمان حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) دایر بر تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی موجودیت یافت تا " برای برنامه ریزی رشته های مختلف و خط مشی فرهنگی آینده دانشگاهها بر اساس فرهنگ اسلامی و انتخاب و آماده سازی اساتید شایسته و متعهد و آگاه و دیگر امور مربوط به انقلاب آموزشی اسلامی اقدام نماید".

با تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی بخش برنامه ریزی درسی دانشگاهی که در ستاد انقلاب فرهنگی شکل گرفته بود توسعه یافت و فعالیت خود را از اسفند ماه ۱۳۶۳ با عنوان شورای عالی برنامه ریزی آغاز کرد. بنا بر مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی در تمام سطوح آموزش عالی، پیشنهاد خط مشی کلی و سیاستهای آموزشی و پژوهشی، برنامه ریزی درسی، اصلاح، تغییر و بازنگری برنامه های مصوب، تهیه و تصویب آیین نامه های آموزشی و پژوهشی، تدوین ضوابط برای صلاحیت علمی داوطلبان عضویت در هیات علمی، تعیین ضوابط گزینش علمی و شرایط اختصاصی در آزمونهای ورودی دانشگاهها، تعیین عناوین رشته ها و مقاطع تحصیلی و حذف یا ادغام رشته ها و گرایش های تحصیلی، بررسی و تصویب برنامه های آموزشی پیشنهادی دانشگاهها و تدوین و تصویب ضوابط نظارت بر حسن اجرای مصوبات، مجموعه وظایف شورای عالی برنامه ریزی را تشکیل می داد.

مبتنی بر این شرح وظایف شورای عالی برنامه ریزی طی دو دهه فعالیت با سازماندهی بیش از ۶۰۰ عضو هیات علمی در ۹ گروه برنامه ریزی و ۷۰ کمیته تخصصی موفق شد نسبت به تدوین و تصویب متجاوز از ۱۲۰۰ برنامه درسی اقدام کند، که این اقدام در حد خود کاری ارزشمند و بسیار قابل توجه است، بخصوص اگر توجه کنیم که از این مجموع ۴۵۰ برنامه درسی مربوط به دوره های تحصیلات تکمیلی است.

۶- به این ترتیب برنامه ریزی درسی متمرکز با هدف ایجاد وحدت و یکپارچگی در نظام آموزش عالی، رعایت کلیه قواعد و اصول برنامه ریزی آموزشی، درسی و پژوهشی و ایجاد هماهنگی در

برنامه های درسی و مقررات آموزشی به مدت یک دهه با دستاوردی ستودنی توسط شورای عالی برنامه ریزی به انجام رسید، تا آنجا که برای هر یک از رشته های درسی دانشگاهی تعریف، هدف، سرفصل و برنامه مشخصی تدوین گردید و به تمامی دانشگاههای مجری جهت اجرا ابلاغ شد. اقدامی که پرداختن به آن توسط هیچیک از دانشگاههای کشور نه به تنهایی و نه به صورت گروهی در آن زمان امکان پذیر نمی نمود.

با اینهمه برنامه ریزی درسی متمرکز به رغم همه محاسنی که در کارنامه خود ثبت کرده است، منشأ بروز چالشهایی بود که از جمله آنها می توان به نادیده گرفته شدن نیازهای منطقه ای در برنامه های درسی، عدم مشارکت اکثریت اعضای هیات علمی در تدوین برنامه ها بر کنار ماندن دانشگاهها از فعالیت در زمینه برنامه ریزی درسی و ایجاد نهاد برنامه ریزی، عدم امکان تغییر و تحول در برنامه های مصوب در کوتاه مدت و عدم امکان نظارت کامل بر اجرا اشاره کرد.

بروز این چالشها از یک سو و تقویت و تثبیت موقعیت دانشگاهها از سوی دیگر واگذاری پاره ای از اختیارات برنامه ریزی به دانشگاهها را ایجاب می کرد که اولین بار این مهم در اردیبهشت ماه ۱۳۶۹ اتفاق افتاد و به موجب آن تهیه برنامه های درسی دوره دکتری به طور کامل و برنامه های درسی دوره کارشناسی ارشد مازاد بر ۱۲ تا ۱۸ واحد درسی و برنامه های درسی دوره کارشناسی مازاد بر ۱۲۰ تا ۱۲۴ واحد به دانشگاههای مجری واگذار شد، اما تصویب آن همچنان در اختیار شورای عالی برنامه ریزی باقی ماند.

- در دومین دهه از فعالیت شورای عالی برنامه ریزی الزامات استفاده از برنامه های درسی پویا و تحول گرا بیش از پیش احساس می شد.

بخصوص که رسالت و مأموریت های دانشگاهها متفاوت بود. حتی امکانات دانشگاهها برای اجرای برنامه های درسی نیز یکسان نبود. در عین حال محدود نمودن گروههای آموزشی به اجرای یک برنامه مشخص نیز به نوبه خود به توقف در تولید علم و عدم مشارکت همه صاحب نثران در توسعه علمی کشور را به دنبال داشت. تحقیقات انجام شده در این دوره نشان داد که برنامه های درسی دانشگاهی از یک سو با پیشرفت های علمی و از سوی دیگر با اهداف مذکور در برنامه های توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی کشور هماهنگ نیست و بین محتوای برنامه ها و نیازهای جامعه ارتباط معقولی وجود ندارد. ضمن اینکه همین برنامه ها نیز از جمله به دلیل عدم مشارکت اکثریت اعضای هیات علمی در تدوین آنها عملاً به اجرا گذاشته نمی شد.

در چنین شرایطی وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری در اردیبهشت ماه ۱۳۷۹ با هدف انطباق هرچه بیشتر برنامه های درسی با نیازهای جامعه ، نهادینه کردن برنامه ریزی درسی در دانشگاهها ، روزآمد شدن برنامه ها با توجه به تحولات دانش بشری و تناسب بیشتر برنامه های درسی با امکانات و توانایی دانشگاهها، اختیارات برنامه ریزی درسی را به دانشگاههای بزرگ کشور واگذار کرد. به موجب این مصوبه دانشگاههای دارای هیات ممیزه امکان یافتند نسبت به بازنگری ، حذف، ادغام، جایگزینی و تغییر دروس رشته های موجود در دانشگاه اقدام کنند. همچنین به دانشگاههای مذکور اختیار داده شد تا با توجه به نیازهای جامعه و تحولات علمی روز، ایجاد رشته های جدید را به شورای عالی برنامه ریزی پیشنهاد کنند و در صورت تصویب عنوان رشته جدید برنامه درسی آن رشته را تدوین نمایند.

آیین نامه واگذاری اختیارات برنامه ریزی درسی دانشگاهها ، در عین حال محدودیت هایی را نیز بر برنامه ریزان دانشگاهی تحمیل می کرد. به این معنی که در طراحی، ارزیابی و تصویب برنامه درسی، دانشگاه عامل ملزم بود که ۶ معیار را به شرح زیر مورد توجه قرار دهد:

۱- انطباق با ارزشها ، هدفها و راهبردهای کلی کشور

۲- پاسخگویی به نیازهای جامعه

۳- هماهنگی با تحولات علمی روز

۴- گسترش و تعمیق فرهنگ پژوهش

۵- ایجاد روحیه خلاقیت و کارآفرینی در دانش آموختگان

۶- ایجاد قابلیت و مهارت های لازم برای ورود به جامعه و

بازار کار

البته اجرای آیین نامه واگذاری اختیارات برنامه ریزی درسی در دانشگاهها به جهت آماده نبودن زیر ساخت های لازم، کمبود نیروهای متخصص و منابع علمی، فقدان الگوی مشخص برای برنامه ریزی درسی، عدم انگیزه و بعضاً مقاومت اعضای هیات علمی و نبود سازوکارهای لازم برای نظارت و ارزیابی با مشکلات و چالشهایی مواجه بود، اما خوشبختانه این حرکت بر آمده از نیاز، به تدریج در دانشگاههای بزرگ کشور پا گرفت و بر اثر آن تعداد قابل توجهی از اعضای هیات علمی فرصت یافتند تا در تدوین برنامه های درسی دانشگاهی مشارکت جدی و فعال داشته باشند. از این طریق بود که اولاً نوآوری در فرایند، ساختار و تشکیلات برنامه ریزی درسی دانشگاهها بروز کرد و ثانیاً با توجه به مشارکت اعضای هیات علمی در تدوین برنامه ها ، قابلیت اجرایی، آنها افزایش یافت.

۷- واگذاری اختیارات برنامه ریزی درسی به دانشگاهها با ایجاد ردیف متمرکز بازننگری برنامه های درسی مورد حمایت قرار گرفت و از این طریق بخشی از کمبودهای دانشگاهها در عمل با آیین نامه تفویض اختیار مرتفع گردید. تا آنجا که طی برنامه پنج ساله سوم، نزدیک به ۴۰۰ برنامه درسی مورد بازننگری قرار گرفت که از این تعداد نزدیک به ۶۰ درصد را برنامه های دوره های تحصیلات تکمیلی تشکیل می داد. جالب توجه اینکه بازننگری ۵ درصد از برنامه ها توسط دانشگاههای فاقد هیات ممیزه انجام شد و در مجموع ۲۹ درصد از برنامه ها توسط دانشگاههای شهرستانها مورد بازننگری قرار گرفت و ۷۱ درصد بقیه توسط دانشگاههای تهران انجام شد که سهم دانشگاه میزبان همایش در این بازننگری به ۲۵ برنامه رسید. بیشترین تعداد برنامه های بازننگری شده (۳۶ درصد) در گروه علوم انسانی بود و پس از آن به ترتیب بازننگری در برنامه های درسی گروههای فنی و مهندسی (۲۹ درصد)، علوم پایه (۱۵ درصد)، کشاورزی (۱۳ درصد) و هنر (۷ درصد) قرار داشت. به این ترتیب با واگذاری اختیار برنامه ریزی درسی سازوکارهای مربوط تکامل یافت و تحول و پویایی و نوآوری در برنامه ریزی درسی را برای نظام آموزشی عالی به ارمغان آورد.

۸- اما رسیدن به این مرحله به معنی پایان کار نیست. بلکه تحولات علم و فناوری بخصوص در عرصه فناوری های اطلاعات و ارتباطات افق های جدیدی را در توسعه علمی گشوده است که برنامه ریزان درسی دانشگاهی را به تلاش و کوشش بیشتر ملزم می سازد.

در شرایطی که محتوای دروس به سرعت در حال تغییر است و این امکان برای دانشجویان فراهم شده است که از برنامه های درسی بزرگترین و برترین دانشگاههای جهان مطلع شوند و حتی در کلاسهای درس آنها شرکت کنند، همچنین در شرایطی که تبادل نظر اساتید دانشگاهی با دیگر همکاران خود در تمامی دانشگاههای بزرگ دنیا امکان پذیر شده است، مسلماً برنامه درسی دانشگاههای ایران نمی تواند و نباید به این حد از پیشرفت رضایت داشته باشد، بلکه باید جایگاه برآمده از این تفویض اختیار را به سکوی پرشی تبدیل کند که بتواند حداکثر نقش خود را در تامین هدف اعلام شده در سند چشم انداز تحقق بخشد و ایران اسلامی را از نظر علمی و به تبع آن اقتصادی در جایگاه اول کشورهای منطقه آسیای غربی قرار دهد. این پرش البته جز با کاربست برنامه ریزی شده فناوری های اطلاعات و ارتباطات در برنامه ریزی درسی امکان پذیر نمی تواند باشد.

نکته حائز اهمیت دیگر اثر پذیری محتوای برنامه های درسی از اعضای هیات علمی است. از آنجا که محتوای برنامه ها به سرعت در تحول است، مسلماً همواره تعدادی از اعضای هیات علمی به دلایل مختلف توان تطبیق خود با این تحول را نخواهند داشت، بنابراین به طور طبیعی می کوشند که محتوا را با امکانات خود تطبیق دهند، که این یکی از چالشهای عمده برای تضمین کیفیت آموزش عالی است. برای مقابله با این خطر، البته نظارت دانشگاه بر عملکرد اعضای هیات علمی در اجرای برنامه های مصوب ضروری است، اما آنچه این نظارت را تقویت و تضمین می کند، هوشیاری، آمادگی و مطالبه دانشجویان بویژه دانشجویان

دوره های تحصیلات تکمیلی است، که باید متوقعانه از استادان خود بخواهند که همواره محتوای دروس خود را با آخرین دستاوردهای علمی در رشته مربوط تقویت کنند.

نکته مهم دیگر مربوط به برنامه های درسی میان رشته ای است که اخیراً تعداد آنها به صد رشته بالغ شده است. طراحی رشته های میان رشته ای، که با توجه به زمینه های رشد و توسعه دانش بشری روز به روز بر تعداد آنها افزوده می گردد، مستلزم طراحی ساختاری، منعطف برای امر برنامه ریزی درسی است، به گونه ای که امکان ارتباط و تعامل اندیشمندان رشته های مختلف با یکدیگر به آسانی فراهم آید، و برنامه درسی این رشته ها نه در فضایی مکانیکی بلکه در بستر تعامل، همزبانی و همدلی متخصصین شاخه های مختلف علوم تولید شود.

علاوه بر رشته های میان رشته ای لازم است به رشته هایی اشاره کنم که برای کشور رشته های راهبردی محسوب می شوند و به این لحاظ توجه بیش از پیش دانشگاههای بزرگ کشور را می طلبد. در این خصوص می توان به رشته های نوپایی همچون زیست فناوری، نانو فناوری و علوم هسته ای اشاره کرد که طی چند سال اخیر به خوبی بالیده اند و می توانند برای آموزش عالی کشور افتخار آفرین باشند. توجه بیشتر به برنامه های درسی این رشته ها مسلماً نیل به دستاوردهای علمی بیشتری را امکانپذیر خواهد کرد و امکان رقابت با دانشمندان کشورهای پیشرفته برای دانشمندان کشورمان فراهم خواهد ساخت.

سخن آخر اینکه برنامه ریزی درسی در دانشگاهها و موسسه های آموزش عالی کشور زمانی می تواند به توسعه علمی بینجامد و تامین کننده اهداف سند چشم انداز و برنامه های توسعه کشور باشد، که بتواند سازوکارهای لازم برای جلب مشارکت همه دانشگاهها و دانشگاهیان را

فراهم سازد. اگر اراده ای برای این همکاری وجود داشته باشد ، به گمان من برآیند تفکر ، اندیشه و خلاقیت اعضای هیات علمی و امکانات نرم افزاری و سخت افزاری همه دانشگاههای کشور در حدی است که می تواند بر بسیاری از حوزه های علمی فعال جهانی پیشی بگیرد، در حالیکه عملکرد انفرادی دانشگاهها در این زمینه هرچند که می تواند در حد خود ارزشمند تلقی شود، با اینهمه نتایج چشمگیری در حدود پیشرفت های علمی بین الملل در بر نخواهد داشت.

موفق باشید